بیانات در دیدار دست‌اندرکاران و کارگزاران حج - 27 /اردیبهشت/ 1402

بسم الله الرّحمن الرّحیم (1)

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز ؛ بخصوص جمع شما خانواده‌های معظّم و مکرّم شهیدان و همچنین بالخصوص خدمتگزاران به فریضه‌ی عظیم حج و حج‌گزاران عزیز. به مناسبت شهادت حضرت امام صادق (سلام الله علیه) به همه‌ی حضّار محترم تسلیت عرض میکنم.

در مسئله‌ی حج یک اصل اساسی برای همه، هم برای حج‌گزار، هم برای خدمتگزار، عبارت است از فهم اهمّیّت حج ؛ [اینکه] حج در مجموعه‌ی نظام اسلامی و در مجموعه‌ی عباداتی که انسان انجام میدهد چه اهمّیّتی دارد ؛ این مهم است. اهمّیّت حج را [باید فهمید]. یک وقت یک سفری است انسان انجام میدهد ؛ خب در این سفر ممکن است زیارت هم باشد، سیاحت هم باشد، تجارت هم باشد ؛ یک وقت نه، مسئله فراتر از یک سفر است ؛ مسئله یک مسئله‌ی جهانی، یک مسئله‌ی بین‌المللی، یک مسئله‌ی تمدّنی در معارف اسلامی است. حج را با این چشم باید نگاه کرد و دید.

حالا آیات حج متعدّد است در قرآن، و هر کدام هم یک نکته‌ی خاصی دارد لکن دو آیه از این آیات را که اشاره به منافع حج دارد، من اینجا یادداشت کرده‌ام که عرض کنم. یکی این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی مائده است که میفرماید: جَعَلَ اللهُ الکعبَةَ البَیتَ الحَرامَ قیامًا لِلنّاس ؛ (۲) خدا کعبه را مایه‌ی قوام جامعه دانسته ؛ این خیلی چیز مهمّی است ؛ «قیامًا لِلنّاس». یعنی اگر چنانچه حج وجود نداشته باشد و تحقّق پیدا نکند، امّت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی فرو خواهد پاشید ؛ لذاست که فقها میگویند که حج در مواردی واجب کفائی است ؛ یعنی اگر چنانچه شما دیدید یک روزی ــ که خدا نیاورد آن‌چنان روزی را ــ حاجی‌ای وجود ندارد از هیچ جای دنیا، بر شما شخصاً واجب است که حج بروید ولو ده بار هم قبل از آن حج رفته باشید. هرگز نباید این خانه، این قرارگاه اصلی، این مرکز اساسی، خالی بماند. «قیامًا لِلنّاس» ؛ این خیلی تعبیر مهمّی است.

یک آیه‌ی دیگر آیه‌ی مبارکه‌ی سوره‌ی حج است: وَ اَذِّن فِی النّاسِ بِالحَجِّ یَأتوکَ رِجالاً وَ عَلیٰ کلِّ ضامِرٍ یَأتینَ مِن کلِّ فَجٍّ عَمیقٍ * لِیَشهَدوا مَنافِعَ لَهُم ؛ (۳) مردم، ملّت، امّت اسلامی، از اکناف جهان بیایند حج، تا به چشم خودشان منافع خود را ببینند: لِیَشهَدوا ؛ مشاهده کنند، ببینند، حضور پیدا کنند در مجموعه‌ی منافعی که وجود دارد. از امام صادق (علیه الصّلاة و السّلام) پرسیدند مراد از این منافع، منافع اخروی است، یعنی ثواب و مانند اینها؟ فرمود نه، هر دو. البتّه منافع اخروی هم هست، امّا منافع دنیوی [هم هست]. امّت اسلامی در حج منافعی میبرد که با هیچ عامل دیگری این منفعت قابل استیفاء نیست ؛ جز با حج، جز با این میقات بین‌المللی [ممکن نیست] ؛ فقط با این میعاد جهانی ممکن است. خب، از جمله‌ی منافع دنیوی، ارتقاء سطح مدنیّت دنیای اسلام است، به خاطر همین تفاهم و هماهنگی‌هایی که وجود دارد. یک چیزهایی هست که خیلی ظاهر است، امّا از چشم انسان پوشیده میماند ؛ یکی از آنها همین قضیّه است. شارع مقدّس همه‌ی آحاد امّت اسلامی را [خطاب میکند]: وَ اَذِّن فِی النّاسِ بِالحَجِّ. در این کلمه‌ی «ناس» هم نکاتی وجود دارد، نمیخواهم حالا وارد بشوم. در چند آیه‌ی شریفه‌ی قرآن بحث «ناس» است، بحث «مؤمنین» نیست ؛ یکی همین آیه [است]: وَ اَذِّن فِی النّاسِ بِالحَجِّ ؛ مال آحاد مردم و همه‌ی بشریّت

است. ندای حضرت ابراهیم خطاب به همه‌ی بشریّت بود. در روایت دارد که وقتی خداوند متعال به ابراهیم (علیه السّلام) وحی فرمود که مردم را دعوت کن، رفت روی کوه ابوقُبیس و گفت «ایُّهَا النّاس» ؛ (۴) بحثِ کسانی نیست که به من اعتقاد دارند، من را قبول دارند ؛ همه‌ی بشریّت را دعوت کرد به حج. در طول تاریخ، در طول زمان، تا وقتی دنیا دنیا است، این دعوت ابراهیم وجود دارد. خب، در یک ایّام مشخّص، در یک محدوده‌ی معیّنی از زمان ــ که در سوره‌ی بقره «ایّامٍ مَعدودات» (۵) و در سوره‌ی حج «ایّامٍ مَعلومات» (۶) ذکر شده است ــ و در یک نقطه‌ی خاصّی از مکان، همه‌ی آحاد بشریّت را خداوند متعال دعوت کرده. البتّه پیدا است آن کسانی که ایمان به این دعوت دارند، قبول میکنند، می‌آیند و عمل میکنند، پس مؤمنینند، مال مسلمانها است ؛ دیگرانی که قبول ندارند قهراً اجابت نمیکنند این دعوت را، محروم میمانند. اینکه همه‌ی آحاد مردم از اطراف عالم برای یک روز معیّن و تاریخ معیّن در یک مکان معیّن جمع بشوند، این یک چیز تصادفی نیست، این یک امر حساب‌شده است، پیدا است اینها را برای کاری دعوت میکنند.

شما ملاحظه کنید، اگر حالا یک فراخوانی داده بشود که مثلاً فلان گروه از مردم یا فلان شهر از شهرهای کشور یا همه‌ی مردم کشور در فلان روز، فلان جا و در فلان نقطه حاضر بشوید، معنایش چیست؟ معنایش این است که این حضور برای یک غرض و یک مقصودی است ؛ معنایش این نیست که به آنجا بیایید و بروید ؛ نه، [یعنی] بیایید تا یک کاری انجام بگیرد، بیایید تا یک هدفی تأمین بشود ؛ حج این است. دعوت کردند برای یک هدفی ؛ آن هدف چیست؟ ارتقاء امّت اسلامی است ؛ آن هدف، نزدیکی دلهای آحاد امّت اسلامی به یکدیگر است ؛ آن هدف، اتّحاد امّت اسلامی است ؛ در مقابل چه چیزی؟ در مقابل کفر، در مقابل ظلم، در مقابل استکبار، در مقابل بتهای بشری و غیر بشری، در مقابل همه‌ی آن چیزهایی که اسلام آمد برای اینکه آنها را از بین ببرد ؛ جمع بشوند تا با اینها مقابله کنند. مثلاً فرض کنید که امروز مسئله‌ی اسرائیل، رژیم صهیونیستی، مطرح است ؛ همه‌ی دنیای اسلام باید جمع بشوند و این اجتماع، پیغامی داشته باشد علیه رژیم صهیونیستی. امروز مسئله‌ی دنیا، نفوذ قدرتهای استکباری است ؛ همه باید جمع بشوند برای اینکه اعلام حضور بکنند، اعلام قدرت بکنند، سینه سپر کنند در مقابل قدرتهای استکباری ؛ اصلاً قضیّه این است. این منافع دنیوی است. البتّه منافع دنیایی را [اگر] بخواهیم بشمریم، باید ده‌ها صفحه نوشت و گفت ؛ حالا ما دو جمله عرض کردیم.

منافع اخروی ؛ منافع اخروی، آمیخته‌ی با همین منافع دنیوی است ؛ تأثیر حج در دلها است ؛ ایجاد اُنس با خدای متعال ؛ تقویت رابطه‌ی با خدای متعال ؛ ایجاد اخلاص در عمل ؛ پاک کردن دل از هر آنچه با یاد خدا معارض و مخالف است ؛ اینها است ؛ اینها باید اتّفاق بیفتد. این اعمالی که در حج هست ــ این احرام و این طواف و این نماز و این سعی و این عرفات و این مشعر و این اعمال منیٰ و مانند اینها ــ هر کدام یک بابی است، یک دریچه‌ی روشنگر و منوّرکننده‌ای است به سوی عالم معنا و عالم غیب که دل شما از این دریچه استفاده میکند. این‌جوری باید حج رفت، این‌جوری باید حج کرد.

یک مسئله‌ی مهم در مورد حج، نگاه جهانی و فراسرزمینی آحاد مسلمان است ؛ از این نباید غفلت کرد. اسلام از آحاد مسلمان خواسته است که نگاهشان، نگاه فراسرزمینی باشد. طبعاً انسان با مسائل بلندمدّت و کوتاه‌مدّت و روزمرّه‌ی زندگی مواجه است ؛ در این تردیدی نیست، از این گزیری نیست امّا در این منحصر نباید بود. ضمن اینکه شما به زندگی شخصی‌تان، زندگی خانوادگی‌تان، به فرزندانتان، به آینده‌تان، به شغلتان، به آینده‌ی کشورتان، به پیشرفت و اعتلای کشورتان فکر میکنید، باید به دنیا هم فکر کنید ؛ تعلیم اسلام این است. یک روایتی من اینجا یادداشت کرده‌ام که اتّفاقاً به مناسبت همین حج است که آن هم از امام صادق (علیه السّلام) است ؛ البتّه روایت، طولانی‌تر از این است ؛ این روایت در وسائل، ابواب «وجوب الحج» است. توجّه کنید نکته این است که این حرفها را امام (علیه السّلام) به مناسبت وجوب حج میزنند.

از جمله‌ی تعابیری که در این روایت هست، [این است که] میفرمایند: وَ لَو کانَ کُلُّ قَومٍ اِنَّما یَتَّکِلونَ عَلیٰ بِلادِهِم وَ ما فیها ؛ اگر قرار باشد که هر جمعیّتی، هر ملّتی فقط به خودشان، به مسائل کشور خودشان، به مسائل شهر خودشان بپردازند، به آنها فقط تکیه کنند و اهمّیّت بدهند، هَلَکوا ؛ از بین میروند. اگر شما ندانید در دنیا چه میگذرد، ضعیف میشوید ؛ هَلَکوا، تعبیر امام صادق (علیه السّلام) است. وَ خَرُبَتِ البِلاد ؛ همان کشور خودتان، منطقه‌ی مورد نظر خودتان هم نابود میشود، خراب میشود. وَ سَقَطتِ الجَلَبُ وَ الارباح ــ «جَلَب» یعنی درآمد ــ درآمدهای ملّی‌تان هم کاهش پیدا میکند. باید بدانید دنیا چه خبر است. وَ عَمِیَتِ الاخبَار ؛ (۷) از دنیا بی‌خبر میمانید. باید نگاه کنید به دنیا، ببینید دنیا چه خبر است.

اینکه ما تکرار میکنیم مسئله‌ی دشمن‌شناسی را، اینکه ما عرض میکنیم دشمن را بشناسید، روشهای دشمن را بشناسید، کارکرد دشمن را بشناسید، مقدار پیشرفت دشمن را بشناسید، ضعف دشمن را بشناسید، قوّت دشمن را بشناسید، این فقط خطاب به مسئولین نیست، به آحاد مردم [هم هست]. کشوری که جوانش، غیر جوانش، عالِمش، درس‌خوانش، کاسبش، همه، توجّه به مسائل جهانی دارند، این کشور، هرگز سرش کلاه نمیرود. ما خیلی جاها در معاملات جهانی سرمان کلاه رفته ؛ برای خاطر اینکه به مسئله‌ی جهانی توجّه نداشتیم. این طرفِ ما با چه نیّتی وارد میدان شده، با چه نیّتی این حرف را به ما میزند، این اصرار را روی فلان مسئله انجام میدهد، مشکل او چیست، ما چقدر احتیاج داریم، او چقدر احتیاج دارد ؛ اینها را باید [بدانیم]. اگر اینها را بدانیم، سرمان کلاه نمیرود. هر جا اینها را دانستیم و بر طبق این دانسته‌ها عمل کردیم، پیش رفتیم. ما الان در سطح جهانی، در سطح بین‌المللی، در سطح منطقه‌ای پیشرفتهای خوبی داریم ؛ همین که آمریکایی‌ها خیلی از آن عصبانی‌اند پیشرفتهای ما است. این پیشرفتها به خاطر این بوده که آن کسانی که مسئول کار بودند حواسشان جمع بوده ؛ میفهمیدند دنیا چه خبر است. حج آن نقطه‌ی اساسی است که شما میتوانید این را پیدا کنید.

در حج، از اروپا می‌آیند، از آفریقا می‌آیند، از سرتاسر آسیا می‌آیند، از کشورهای متمایل به فلان سیاست می‌آیند، از کشورهای متمایل به فلان سیاست دیگر می‌آیند، همه‌جور آدم می‌آید. شما میدان دارید، مجال دارید، برای اینکه از مسائل جهان از نزدیک آشنا بشوید، نه از طریق فلان روزنامه‌ی دروغ‌گو و دروغ‌نویس یا فلان خبرگزاری کذّاب خبیثی که در سطح دنیا اخبار پخش میکند، شایعاتِ دروغ پخش میکند، واقعیّات را وارونه میکند. از نزدیک میتوانید بفهمید ؛ حج این است دیگر ؛ حج را با این چشم باید نگاه کرد.

یک نکته‌ی مهمّ اساسی در حج این است که اسلام عملاً نشان میدهد که این تمایزهایی که در دنیا وجود دارد، در کشورهای مختلف، این تمایزها را قبول ندارد ؛ تمایز نژادی، تمایز جغرافیایی، تمایز طبقاتی ؛ اینها را قبول ندارد ؛ این نکته خیلی مهم است. امروز کشورهای به ادّعای خودشان متمدّن که به نظر بنده هیچ بویی از تمدّن نبرده‌اند ــ همین کشورهایی که میدانید خودشان را متمدّن میدانند و بقیّه‌ی دنیا را وحشی ــ گیرند در مسئله‌ی سیاه و سفید، گیرند در مسئله‌ی نژاد اروپایی و نژاد غیر اروپایی، گیرند در مسئله‌ی مهاجرین. هزاران آدمِ مهاجر [اگر] در دریا غرق بشوند، ککشان نمیگزد، اهمّیّتی به آنها نمیدهند، اصلاً کأنّه [آنها را] انسان نمیدانند، موجود قابل توجّه نمیدانند. به حیوانِ خانگیِ خودشان بمراتب بیشتر اهمّیّت میدهند تا یک بیگانه‌ای که در همسایگیِ آنها زندگی میکند. این حوادثی است که روزمرّه انسان دارد مشاهده میکند در دنیا ؛ گیرند، نتوانسته‌اند این مشکل را حل کنند. اسلام حل کرده، آن هم نه در زبان ؛ حالا در زبان که قرآن کریم [میفرماید]: «اِنَّمَا المُؤمِنونَ اِخوَة» (۸) و آیاتی مانند این، در روایات و در کلمات بزرگان اسلام [هم] که این حرفها پُر است ؛ امّا در عمل، اسلام زبان رفع تمایزش زبان عملی است ؛ کجا؟ در حج ؛ سیاه هست، سفید هست، از فلان نقطه‌ی دنیا هست، از فلان تمدّن هست، از فلان تاریخ هست، همه در کنار هم هستند بدون هیچ تمایزی ؛ هیچ تمایزی با همدیگر ندارند ؛ با هم راه میروند، با هم طواف میکنند، با هم سعی میکنند، با هم وقوف میکنند. اینها خیلی مهم است. اینها از اسرار حج است ؛ اینها را بایستی با معرفت

انجام داد.

من حالا در این [مطلبی] که عرض میکنم ــ خب بارها گفته‌ایم این مسائل را ــ اصرارم بر این است که مسئولان محترم حج در این زمینه‌ها فرهنگ‌سازی کنند. کاری کنید که تا اسم حج می‌آید، تا اسم کعبه‌ی معظمه می‌آید، آن جوانِ امروزیِ ما این مفاهیم به ذهنش خطور کند: مفهوم تمدّن‌سازی، مفهوم اتّحاد جهانی، مفهوم نگاه فرامرزی و بین‌المللی، مفهوم رفع تمایز و مانند اینها به ذهنش بیاید. فرهنگ‌سازی در این زمینه‌ها باید انجام بگیرد ؛ این، هم به عهده‌ی روحانیّونی است که در کاروانها هستند، هم به عهده‌ی مسئولین حج است، هم به عهده‌ی مسئولین بعثه است ؛ همه ؛ هر کسی که توانایی دارد، در این زمینه‌ها فرهنگ‌سازی کند در باب حج. کاری کنید که حج را مردم با این نیّت به جا بیاورند. آن‌وقت اگر ما توانستیم این فرهنگ را در ذهن مردم رسوخ بدهیم، دیگر نگرانِ این نخواهیم بود که حالا فلان برادر ما یا خواهر ما در حج مشغول بازارگردی است برای اینکه یک جنس بنجلی را بخرد به عنوان سوغاتی بیاورد. این نگرانی است دیگر، این جزو نگرانی‌ها است ؛ اگر آن‌جور بشود، این نگرانی‌ها را دیگر نخواهیم داشت.

اینکه امام بزرگوار (رضوان الله علیه) اصرار کردند، بنده هم به تبع ایشان تأکید کردم که حتماً در نمازهای مسجدالحرام ــ نمازهای اهل‌سنّت ــ شرکت کنید، این به خاطر همین است ؛ وَالّا آنجا در مسجدالحرام یک جمعیّت میلیونی جمع میشوند نماز میخوانند، شما هم در هتلِ خودت با پنجاه نفر آدم نماز بخوانید، این نمیشود. در اجتماعات شرکت کنید، حرف بزنید، صحبت کنید، تماس بگیرید. بله، مخالفت هست با اینها، میدانیم ؛ ممانعت هست، امّا آن کسی که ممانعت میکند یک انسان است، شما هم یک انسانی ؛ شما میتوانید [حرف بزنید]. این منافع را باید به دست آورد. منافع معنوی، همین دعا و تضرّع است. هر چه میتوانید دعا کنید، هرچه میتوانید تضرّع کنید. هر چه میتوانید در مسجدالحرام، در مدینه‌ی منوّره آن عملی را که خدای متعال دوست میدارد که عبارت است از آن عمل مخلصانه و نگاه مخلصانه و تضرّع الی الله تعالیٰ، این را تکرار کنید، زیاد کنید، افزایش بدهید. اَللهُمَّ ارزُقنی حُبَّکَ وَ حُبَّ مَن یُحِبُّکَ وَ حُبَّ کُلِّ عَمَلٍ یوصِلُنی اِلیٰ قُربِک ؛ (۹) عملی که ما را به خدا نزدیک میکند ؛ [مثل] همین تضرّع و همین توجّه و ادعیه‌ای که وارد شده. یا ادعیه‌ای که مخصوص آنجا هم نیست، [مثل] همین دعای کمیل ؛ این [خواندن] دسته‌جمعی دعای کمیل بسیار کار خوبی است ؛ مسئولان محترم با طرفهای مسئول در آن کشور صحبت کنند، تفاهم کنند، توافق کنند که این [کار] انجام بگیرد. این، این بخش مثبت قضیّه، [یعنی] بخش تقرّب الی الله ؛ آن طرف هم بخش برائت از مشرکین، و این حرکت عظیمی که وجود دارد و ادامه دارد و باید ادامه پیدا کند.

یکی از افتخارات جمهوری اسلامی این است که این ظرفیّتها را شناساند ؛ نمیگوییم حالا به طور کامل احیا کرد که نکردیم ــ به طور کامل احیا نکردیم، باید بکنیم ــ امّا این ظرفیّتها را به آحاد مردم شناساند. قبل از انقلاب، این چیزها مطرح نبود ؛ نه آحاد مردم متوجّه این چیزها بودند، نه ماها که عمامه به سر داشتیم و برای مردم موعظه میکردیم ؛ ماها هم متوجّه این چیزها نبودیم. اینها را انقلاب به ما یاد داد، اینها را حرکت انقلابی به ما یاد داد ؛ این ظرفیّتهای عظیم حج را به ما نشان داد. خیلی خب، این ظرفیّتها را به مردم معرّفی کنیم، بعد هم سعی کنیم که عمل کنیم.

خداوند ان‌شاءالله شماها را موفّق بدارد، حجّتان را قبول کند ؛ ان‌شاءالله خداوند حجّ همه‌ی حجّاج از سراسر عالم را مقبول کند و به آنها توفیق بدهد و عزّت و احترام برای آنها فراهم کند و روح مطهّر امام و شهدای عزیز را ان‌شاءالله شاد کند.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّدعبدالفتّاح نوّاب (نماینده ولیّ‌فقیه در امور حج و زیارت) گزارشی ارائه کرد.
۲) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹۷
۳) سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۷ و بخشی از آیه‌ی ۲۸ ؛ «و در میان مردم برای [اداء] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری ــ که از هر راه دوری می‌آیند ــ به سوی تو روی آورند، تا شاهد منافع خویش باشند ...»
۴) کافی، ج ۴، ص ۲۰۵
۵) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۳
۶) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۲۸
۷) وسائل‌الشّیعه، ج ۱۱، ص ۱۴
۸) سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۰ ؛ «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند ...»
۹) بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۹ (با اندکی تفاوت)